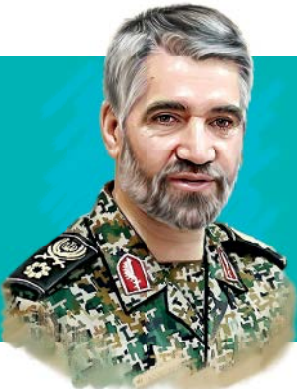




۱۱

بازیگر و کارگردان پیشکسوت در اکران مردمی آخرین داستان تقدیر می‌شود

نکوداشت اکبر زنجانیور



گزارشی از زندگی و زمانه سردار علی فضلی
که این روزها در بستر بیماری است

ایستاده در غبار

۱۰

آیوشمن کورانا و موانعی که رد کرد

موفقیت برای ستاره خود ساخته



۱۲

فرهنگ

یکشنبه ۲۴ آذر ۱۳۹۸ :: شماره ۵۵۵۰

پشت صحنه

سکوت نطلبیده

يك علی رستگار برای هر جمعی کافی است که سکوتش را با قهقهه و خنده طاق بزند؛ اما وقتی دبیر گروه به اختتامیه جایزه جلال رفته و دوست و همکار دیگری که پای ثابت کل‌کل‌های هر روزه است، مسافر بلاد همسایه باشد، دیگر کار زیادی از شوخی‌های رستگار ساخته نیست بخصوص که این شوخی‌ها عمدتاً ریز و باریک عرضه می‌شوند و هر کسی شاید درکی از آنها نداشته باشد مگر این که زمانی طولانی در جام جم زیسته باشد و آدم‌های قدیم و جدیدش را بشناسد.

وقتی یکی و فقط یکی از اعضای گروه فرهنگی در تحریریه حضور نداشته باشد، صدای ضربه‌های روی کیبورد جای شوخی‌های هر روزه را می‌گیرد، چه برسد به این که گروه با غیبت دو همکار روبه‌رو باشد. در چنین شرایطی چقدر شوخی و اشاره و نظر و حرفی نیست برای نوشتن در این ستون اما مطلب خواندنی‌تا بخوانید هست.

مثلا در صفحه ۹ یعنی همین صفحه‌ای که پیش رو دارید، به بهانه حرف‌های

مسعود جعفری جوزانی درباره ورود سرمایه‌های مشکوک به سینما، گزارشی داریم از سرمایه‌سالاری در تولید آثار هنری از سینما گرفته تا



ناصر طهماسب برای مصاحبه با اصحاب و اصحابات خاطر انگیز سینمای جهان است | عکس: ایسنا

۱۱

صفحه ۱۰ را محمد صادق علیزاده تارک دیده است،

قبل از این که به مراسم اختتامیه جایزه جلال برود. سال‌ها حتی اگر در مطبوعات کار کرده باشید بعید است همکاری با چنین دبیری را تجربه کرده باشید؛ دبیری که گزارش می‌نویسد، در نشست‌های خبری حاضر می‌شود و حسابی دست به قلم است و فعال.

از مدح علیزاده که بگذریم لازم است بگویم گزارش آقای دبیر درباره زندگی و زمانه سردار علی فضلی است که این روزها را در بستر بیماری سپری می‌کند و ما شاید به اندازه کافی درباره‌اش ندانیم.

صفحه ۱۱ را به تولد ناصر طهماسب اختصاص داده‌ایم؛

دوبلور پیشکسوت و یکی از هنرمندان عصر طلایی دوبله در ایران. طهماسب را علاقه مندان آثار سینمایی با فیلم‌های ماندگار سینمای جهان به یاد دارند؛ با حرف‌زدن به جای جک نیکلسون در فیلم‌های مختلف از جمله فیلم‌های دیوانه از قفس پرید، تالو با درخشش و همین‌طور به جای کوین اسپیسکی که آخرین بارش بر می‌گردد به سریال خانه پوشالی.

درباره طهماسب و دوبله‌های درخشانش، ساناز قنبری با ناصر ممدوح دوست و همکار قدیمی او گفت‌وگو کرده است.

صفحه ۱۲ یکشنبه معمولاً به سینمای جهان اختصاص دارد. این

بار سراغ يك ستاره متفاوت در بوليوود رفته است. این ستاره کسی نیست جز آیوشمن کورانا که نه پدر و مادرش ستاره بوده‌اند و نه خودش شبیه دیگر ستاره‌های سینمای هند است. او موانع زیادی را پشت سر گذاشته تا در بوليوود به اسم و رسمی رسیده و معمولاً هم نقش آدم‌های معمولی را بازی کرده است. این مطلب خواندنی را کی‌اووس زیرای از تایمز او ایندیا ترجمه و آماده کرده است.



گفت و گو با ناصر ممدوح

به شاد باش ۸۰ سالگی ناصر طهماسب، دوبلور پیشکسوت

زادروز

صدای مرموز

صف طولانی معترضان به سرمایه‌سالاری در هنر

حرف‌های مسعود جعفری جوزانی دوباره تنور انتقادهای ورود سرمایه‌های مشکوک در تولید آثار هنری را داغ می‌کند

گروه فرهنگی و هنر

هر روز بر تعداد هنرمندانی که

بابت تسلط سرمایه بر هنر ایران هشدار می‌دهند، افزوده می‌شود. نکته قابل توجه در این میان، تنوع طبقاتی کسانی است

که در مخالفت با استقرار محض سرمایه در تولید آثار هنری سخن می‌گویند. دیگر این‌طور نیست که مخالفان بروز این وضع، تنها از بین کسانی باشند که همواره خواستار تصدیگری دولت‌ها و حمایت‌های رسمی از هنر باشند، بلکه فیلمسازها، منتقدان هنر، اهالی تئاتر و فعالان هنرهای تجسمی که همیشه به‌کوتاه شدن دست دولت از هنر تأکید کرده‌اند نیز نگران سرمایه‌سالاری و ورود پول از کانال‌های خصوصی شده‌اند.

ماجرای استقرار سرمایه‌های کلان بر تولید آثار هنری تا آنجا پیش رفته که تئاتری‌ها حالا نگران از بین رفتن آن چیزی هستند که به آن هنر نمایش می‌گویند؛ آنها می‌گویند وقتی نمایش‌هایی با سرمایه‌های میلیاردی از بخش خصوصی به تئاتر تزریق می‌شود و محصولی که با استفاده از جذب این سرمایه تولید می‌شود، چندان به عنوان نمایش مطرح نیست و صرفاً درصدا آوردن چهره‌ها روی صحنه تئاتر است و می‌خواهد بلیت‌های چند صد هزار تومانی‌اش را بفروشد، فارغ از ارائه کیفیتی که در شان هنر تئاتر باشد، چیزی که در این میان آسیب می‌بیند خود هنر تئاتر است؛ تئاتری که نمونه‌های درخشانش همواره از دل گروه‌های کوچک عاشق و با سختی‌ها و مشقت‌های مالی بیرون آمده و مخاطب خاص خود را هم داشته است حالا نگران این است که ورود این سرمایه‌ها، تعریف تئاتر را نزد مردم عوض کند و آنها گمان کنند تئاتر، همان چند نمایش پرزرق‌وبرق چند میلیاردی است با آن طراحی صحنه چشم‌نواز و لباس‌های پرطمطراق و خوش‌چهره‌های پرتوقع سینمایی. این نگرانی‌ها حالا به اوج خود رسیده است.

هنر: برنده نوکیسه‌ها

در تازه‌ترین مورد، مسعود جعفری جوزانی صدایش درآمده. او که در برنامه‌ای با موضوع «الزامات سینمای ملی ایران» از دوره جدید سلسله نشست‌های «سینماکپ حوزه هنری» در سالن تماشاخانه ماه حوزه هنری سخن می‌گفت، علاوه بر اشاره به «موقعیت کنونی سینما و موانع دستیابی به سینمای ملی، نقش و سهم سینماگران و دستگاه‌های سینمایی در شکل‌دهی سینمای ملی، مهم‌ترین موانع تحقق سینمای ملی، رقابت سینمای ملی و بین‌الملل، سازمان سینمایی، بنیاد سینمایی فارابی و حوزه هنری و سایر نهادهای دولتی یا خصوصی در مسیر رسیدن به سینمای ملی» به نکاتی اشاره کرد که خلاصه‌شان می‌شود همان چیزهایی که در مقدمه گفتیم. او گفت: «مدتی است مسؤولان فرهنگی تصمیم گرفته‌اند بودجه اندکی را هم که به سینما تعلق می‌گرفت، قطع کنند و رسماً آن را به دست سرمایه بپسارند. این اتفاق که به بهانه کمبود بودجه، از هفت سال پیش، شدت بیشتری گرفته است، تصمیمی که صد البته مانند همیشه، بدون مشورت با اهالی سینما انجام گرفت و ابعاد مثبت و منفی آن در نظر گرفته نشد. نتیجه هم امروز به وضوح قابل مشاهده است. منظور این‌که چنانچه سینما درست

در اختیار سرمایه قرار بگیرد، مانند هر

تولید دیگر، صرفاً باید به

عرضه و تقاضا فکر

کند و با استفاده

از سلیقه

موجود کالای

فرهنگی

بسازد. در

نتیجه، نیازی

به این همه وزارتخانه و نهاد و بنیاد و کارمند ندارد. پس، پیش از این عمل؛ همه نهادها و بنیادها و وزارتخانه‌ها را باید تعطیل می‌کردند. سینما را هم رها کنند تا در خدمت سرمایه‌های مشکوک و سرمایه‌گذاران نوکیسه، فقط و فقط به عرضه و تقاضا بپندیشد. بدیهی است در شرایط موجود، جایگاهی برای سینمای ملی که مدعی است، روح ملی را به‌نمایش می‌گذارند وجود نخواهد داشت. امروز، سینما برده سرمایه و سرمایه‌گذار است و سینماگر اگر برده این نوکیسه‌ها نشود خانه‌نشینش می‌کنند، در نتیجه، فیلمسازان مقصر وضع و شرایط موجود نیستند. طبیعی است چنین سیاست و برنامه‌ای عوام و عوام‌زدگی را رواج می‌دهد و ارزش‌گذاری فیلم هم تغییر ماهوی می‌کند. امروز، فیلم خوب و بد را سینما داران و مافیای سرمایه، تعیین می‌کنند نه پیش‌تازان فرهنگ و اندیشه. در شرایط موجود، هر فیلمی که به هر قیمت ممکن تماشاگر بیشتری داشته باشد و سود بیشتری عاید سرمایه‌دار کند، فیلم برتری است. واقعیت تلخ این است که سیاست‌بازان با همکاری نوکیسه‌ها و با سوءاستفاده از مدیران بی‌بصیرت، آن سینمایی را که به همت فرزندان ملت انقلابی، طی یک دهه چنان درخشید به خاک سیاه نشانده‌اند»

دوگانه بازیگر/سرمایه‌سالاری

حرف‌های جعفری جوزانی به عنوان

کارگردانی خوش‌فکر و

از سلیقه

موجود کالای

فرهنگی

بسازد. در

نتیجه، نیازی

همان است که بود

لاید در جریان هستد که اخیراً بحث بر سر معافیت مالیاتی هنرمندان دوباره بالا گرفت. البته این بار هم پرونده بدون نتیجه مختومه شد و روال کمافی‌السابق بر همان خواهد بود که بود. یعنی بازیگری که در پروژه‌ای میلیاردی، با سرمایه‌گذار صرفاً پول‌دارش بقیه‌رقبا را کنار می‌زند، قرار نیست بابت دستمزد چندمیلیاردی‌اش مالیاتی بپردازد.

راستی، حالا که دولت اراده‌ای برای تغییر شیوه‌های تصدیگری یا تغییر و بازنگری در شیوه‌های حمایت‌های مالی‌اش از تولید آثار هنری ندارد، چرا دست‌کم زیر بار منطق سرراست اخذ مالیات از چنین پروژه‌هایی نمی‌رود؟

